

پیش‌بینی سبک‌های والدگری براساس ذهنیت طرح‌واره‌ای با میانجی‌گری خودمتمایزسازی در مادران

Predicting parenting styles based on schema mindset mediated by self-differentiation in mothers

Helya Sarmadfar

M.A in Family Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Sedigheh Ahmadi *

Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

dr.ahmadi.sedighe@khu.ac.ir

Kianoush Zahrakar

Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

هلیا سرمدفار

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

صدیقه احمدی (نویسنده مسئول)

دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

کیانوش زهراکار

استاد تمام گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Abstract

The present study aimed to predict parenting styles based on schema mentality mediated by self-differentiation in mothers. The research method was descriptive-correlational and structural equation type. The research population consisted of all mothers referring to health centers in Tehran's Region 1 in 1403, from which 303 people were selected as a sample by convenience sampling. In data collection, the short form questionnaires of the Schema Mindset Inventory by Labstel et al. (SMI, 2010), Baumrind's Parenting Styles and Dimensions (PSDQ, 1971), and the short form of the Drake Self-Differentiation Inventory (DSI-SH, 2011) were used. The results showed that the proposed research model had a favorable fit. The findings also showed that the direct path of schema mentality to self-differentiation, schema mentality to parenting styles, and self-differentiation was significant ($p < 0.05$), and the indirect path of healthy mentality to authoritative parenting style and authoritarian parenting style through self-differentiation was significant ($P < 0.05$). The level of significance for the indirect path of the damaged child to authoritative parenting style and authoritarian parenting style through self-differentiation was significant ($P < 0.05$). The level of significance for the indirect path of the dysfunctional parent to authoritative parenting style and authoritarian parenting style through self-differentiation was significant ($P < 0.05$). From the above findings, it can be concluded that schema mentality can affect parenting styles in mothers through self-differentiation.

Keywords: Self-Differentiation, Schema Mentality, Parenting Styles.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سبک‌های والدگری براساس ذهنیت طرح‌واره‌ای با میانجی‌گری خودمتمایزسازی در مادران انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی و از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه‌ی پژوهش را کلیه‌ی مادران مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت منطقه ۱ شهر تهران در سال ۱۴۰۳ تشکیل داد که از بین آنها به صورت در دسترس ۳۰۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های فرم کوتاه سیاهه ذهنیت طرح‌واره‌ای لایستل و همکاران (SMI, ۲۰۱۰)، سبک‌ها و ابعاد والدگری بامریند (PSDQ, ۱۹۷۱) و فرم کوتاه سیاهه خودمتمایزسازی دریک (DSI-SH, ۲۰۱۱) استفاده شد. نتایج نشان داد مدل پیشنهادی پژوهش از برازش مطلوب برخوردار بود. همچنین یافته‌ها نشان داد که مسیر مستقیم ذهنیت طرح‌واره‌ای به خودمتمایزسازی، ذهنیت طرح‌واره‌ای به سبک‌های والدگری و خودمتمایزسازی معنی‌دار بود. همچنین مسیر غیرمستقیم ذهنیت‌های سالم به سبک والدگری مقتدرانه و سبک والدگری مستبدانه از طریق خودمتمایزسازی معنادار شده است ($P < 0.05$). سطح معناداری برای مسیر غیر مستقیم کودک آسیب دیده به سبک والدگری مقتدرانه و سبک والدگری مستبدانه از طریق خودمتمایزسازی معنادار شده است. سطح معناداری برای مسیر غیر مستقیم مقابله‌ای ناسازگار به سبک والدگری مقتدرانه و سبک والدگری مستبدانه از طریق خودمتمایزسازی معنادار شده است ($P < 0.05$). سطح معناداری برای مسیر غیر مستقیم والد ناکارآمد به سبک والدگری مقتدرانه و سبک والدگری مستبدانه از طریق خودمتمایزسازی معنادار شده است ($P < 0.05$). از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که ذهنیت طرح‌واره‌ای می‌تواند از طریق خودمتمایزسازی بر سبک‌های والدگری در مادران اثر بگذارد.

واژه‌های کلیدی: خودمتمایزسازی، ذهنیت طرح‌واره‌ای، سبک‌های والدگری.

ویرایش نهایی: آذر ۱۴۰۴

پذیرش: اسفند ۱۴۰۳

دریافت: دی ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

سبک والدگری^۱ تأثیر شگرفی بر بهداشت روانی و بروز برخی علائم روان‌شناختی دارد (شنگایو^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). خاطره‌های فرد بزرگسال با والدین یا مراقب اولیه‌اش بر نحوه والدگری منعطف یا غیرمنعطف او نسبت به فرزندانش تأثیر خواهد داشت (فان^۳ و همکاران، ۲۰۲۵). کسی که دلبستگی ایمنی به مادر دارد یا می‌داند که دلبستگی نایمنی با مادرش دارد، می‌تواند به شکل صحیحی رفتار دلبستگی کودک را تشخیص داده و تلاش به برقراری رابطه‌ای ایمن، یعنی به شکلی منعطف با فرزندش رفتار کند. پس در نتیجه آنچه مهم است شیوه واقعی دلبستگی نیست، بلکه نحوه والدگری ادراک‌شده در رابطه اهمیت دارد (رن^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعات متعددی نشان داده‌اند که طرحواره افراد از جمله عوامل مرتبط با سبک‌های والدگری است (امامی^۵ و همکاران، ۲۰۲۴). طبق مدل طرحواره، ذهنیت‌های طرحواره‌ای^۶ عبارت است از طرحواره‌ها یا عملکردهای طرحواره‌ای از جمله پاسخ‌های مقابله‌ای سازگار یا ناسازگار که در حال حاضر در سیستم پردازش اطلاعات فرد فعال شده‌اند. ذهنیت طرحواره‌ای به عنوان یک چارچوب نظری در روانشناسی، به الگوهای تفکر و احساساتی اشاره دارد که فرد در طول زندگی‌اش شکل می‌دهد و بر رفتارها و روابطش تأثیر می‌گذارد. این ذهنیت‌ها معمولاً در دوران کودکی و تحت تأثیر والدین و محیط خانواده شکل می‌گیرد (ووس^۷ و همکاران، ۲۰۲۴). ذهنیت‌های طرحواره‌ای به چهار دسته ذهنیت‌های مقابله‌ای ناکارآمد و ذهنیت‌های سالم تقسیم می‌شوند. ذهنیت کودک آسیب‌پذیر ذهنیتی است که تجارب تلخ و ناگوار کودک طرد شده و محروم که با وی بدرفتاری شده را بر می‌گیرد. ذهنیت‌های والدینی درونی‌سازی نمادهای والدینی در دوران کودکی هستند. ذهنیت‌های مقابله‌ای ناکارآمد نشان دهنده تلاش فرد برای سازگاری با موقعیتی است که در آن، نیازهای هیجانی فرد ارضا نشده است. ذهنیت‌های سالم بخش منطقی و سالم فرد است و به انجام عملکردهای اجرایی فرد کمک می‌کند (رمرسوال^۸ و همکاران، ۲۰۲۳). سوچیا و استرزلکی^۹ (۲۰۲۳) در یک مطالعه مروری سیستماتیک دریافتند والدینی که خود دارای طرحواره‌های ناسازگار هستند، این طرحواره‌ها را از طریق سبک‌های فرزندپروری خود به فرزندان منتقل می‌کنند. یافته‌های بار^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۳) نیز در بررسی خود نشان دادند که فرزندپروری ناسازگار، که با کمبود محبت و کنترل زیاد مشخص می‌شود، به شدت با شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار در کودکان مرتبط است و این طرحواره‌ها می‌توانند به مسائل روانی مختلف منجر شوند. علیرغم اینکه در مطالعات به طور گسترده به رابطه بین ذهنیت طرحواره‌ای با سبک‌های والدگری پرداخته شده اما بررسی نقش میانجی متغیری که ذهنیت طرحواره‌ای از طریق آن بر سبک‌های والدگری اثر می‌گذارند، بسیار محدود بوده است؛ یکی از عواملی که می‌تواند رابطه‌ی بین ذهنیت طرحواره‌ای و سبک‌های والدگری را به بهترین شکل توضیح دهد، خود متمایزسازی^{۱۱} است. خودمتمایزسازی به معنای توانایی فرد در حفظ هویت و ارزش‌های خود در عین تعامل با دیگران، به ویژه در روابط در روابط نزدیک و خانوادگی است. خودمتمایزسازی بر پایه پژوهش‌های بوون^{۱۲} بنا نهاده شده است. وی بر این باور است که خودمتمایزسازی نه تنها فرایند درمانی بلکه تکنیک درمانی نیز محسوب می‌شود (یاو^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۴). خودمتمایزسازی شامل دو بعد درون‌روانی و بین‌فردی می‌شود. بعد درون‌روانی خودمتمایزسازی عبارت از میزان توانایی فرد برای تفکر واقع‌بینانه راجع به موضوعات سرشار از عاطفه در خانواده است و موجب رشد الگوهای خودانعکاسی به منظور شناخت خودمان می‌شود. بعد بین‌فردی خودمتمایزسازی یعنی توانایی به دست آوردن کنترل عاطفی و در عین حال، ماندن در جو عاطفی شدید خانواده (گیور^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۴). خودمتمایزسازی یک فرایند مهم برای رشد فردی و ایجاد روابط سالم است. افرادی که قادر به حفظ هویت خود هستند، معمولاً روابط بهتری برقرار می‌کنند و می‌توانند با چالش‌های زندگی بهتر کنار بیایند (لی و لیم^{۱۵}، ۲۰۲۴). سالرنو^{۱۶} و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی به

1. parenting style
2. Shengyao
3. Fan
4. Ren
5. Emami
6. Schematic mentalities
7. Vos
8. Remmerswaal
9. Sójta& Strzelecki
10. Bär
11. Self-differentiation
12. Bowen
13. Yao
14. Gur
15. Lee & Lim
16. Salerno

این نتیجه رسیدند که قطع عاطفی و آمیختگی با دیگران پیش‌بینی‌کننده‌ی استرس والدین هستند. برش عاطفی همچنین پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی برای تعامل ناکارآمد والد-کودک است. همچنین رودریگر-گونالز و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان دادند که والدینی که دارای سطح بالایی از خودمتمایزسازی هستند، سبک مقتدر را انتخاب می‌کنند. آن‌ها قادرند مرزهای واضحی برای فرزندان خود تعیین کنند و در حین حال به نیازهای عاطفی و استقلال آن‌ها توجه دارد. دهقانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین تمامی حوزه‌های طح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی دانشجویان رابطه منفی معنادار وجود دارد و از بین حوزه‌های مختلف، حوزه طرد و بریدگی، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تمایز یافتگی خود باشد. به طور کلی همانطور که اشاره شد، آگاهی از عوامل مرتبط با سبک‌های والدگری می‌تواند به پیشگیری از مشکلات رفتاری و روانشناختی در بین فرزندان کمک کند. با نگاهی موشکافانه به مرور پژوهش‌های انجام شده در تبیین مدل‌های والدگری، می‌توان نتیجه گرفت که نقش ذهنیت طح‌واره‌ای و خودمتمایزسازی به عنوان دو متغیر روان‌شناختی نقش موثر در تبیین سبک‌های والدگری، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و هر یک از این دو متغیر به طور جداگانه در مطالعات روان‌شناسی خانواده مورد بررسی قرار گرفته‌اند، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سبک‌های والدگری براساس ذهنیت طح‌واره‌ای با میانجی‌گری خودمتمایزسازی در مادران انجام شد.

روش

پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه‌ی آماری پژوهش را تمامی مادران مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت منطقه‌ی ۱ شهر تهران در سال ۱۴۰۳ تشکیل داد. طبق نظر کلاین^۱ (۲۰۰۵)، که به ازاء هر پارامتر می‌توان حداقل ۱۰ و حداکثر ۲۰ نفر را انتخاب کرد؛ لذا حجم نمونه برابر ۳۵۰ نفر تعیین گردید؛ در انتها به دلیل ناقص بودن تعدادی از پرسشنامه‌ها، حجم نمونه مورد بررسی به ۳۰۳ نفر ریزش پیدا کرد. این نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش: تمایل به شرکت در پژوهش، مادران دارای حداقل یک فرزند، داشتن سن ۳۰ تا ۶۰ سال، داشتن سواد حداقل دیپلم (جهت خواندن و نوشتن) و عدم ابتلا به بیماری‌های جسمانی مزمن بود. عدم تمایل به تکمیل پرسشنامه و تکمیل ناقص پرسشنامه بیش از ۴ سؤال از معیارهای خروج از پژوهش بود. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قیده شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محرمانه خواهد بود و همه‌ی افراد برای ورود به این پژوهش رضایت آگاهانه داشتند و با میل خود شرکت کردند. تحلیل داده‌ها در نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه‌ی ۲۱ با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری و بوت استرپ انجام شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه سبک‌های والدگری (PSDQ): پرسشنامه سبک‌های والدگری بامریند که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است و توسط دیانا بامریند (۱۹۷۱) طراحی و ساخته شده است. این پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری والدین را در سه عامل مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً موافقم ۵، تقریباً موافقم ۴، مطمئن نیستم ۳، تقریباً مخالفم ۲ و کاملاً مخالفم ۱) با جمع نمره‌های سوال‌های مربوط به هر سبک والدگری و تقسیم آن بر تعداد سوالات، نمره‌ی مجزا برای آن سبک به دست می‌آید. پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ توسط بامریند (۱۹۷۱) برای بعد مقتدرانه ۰/۷۳، بعد مستبدانه ۰/۸۳ و بعد سهل‌گیرانه ۰/۷۸ گزارش شده است. همچنین شاخص کل روایی محتوایی را ۰/۷۹ و نسبت روایی محتوایی آن را ۰/۸۱ گزارش کردند. در ایران این پرسشنامه توسط حسین‌پور (۱۳۸۱) ترجمه و بررسی شد که نسبت روایی محتوایی آن را ۰/۸۹ و ضریب پایایی برای بعد مقتدرانه، بعد مستبدانه و بعد سهل‌گیرانه به ترتیب با روش تنصیف ۰/۸۷، ۰/۸۲ و ۰/۸۴ و با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷، ۰/۸۰ و ۰/۸۲ به دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای بعد مقتدرانه ۰/۷۵، بعد مستبدانه ۰/۷۰ و برای بعد سهل‌گیرانه ۰/۶۹ به دست آمد.

مقیاس ذهنیت طح‌واره‌ای (SMI): برای ارزیابی این متغیر از فرم کوتاه سیاهه ذهنیت طح‌واره‌ای لایستل و همکاران (۲۰۱۰) استفاده می‌شود، که شامل ۷۵ سؤال است و چهار ذهنیت کلی به شرح زیر است: ذهنیت کودکانه، ذهنیت مقابله‌ای ناکارآمد، ذهنیت والد

1. Klein

2. Parenting Styles and Dimensions Questionnaire (PSDQ)

3. Schema Mentality Scale (SMI)

ناکارآمد و ذهنیت بزرگسال سالم (لابستل و همکاران، ۲۰۱۰). این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از هیچ‌وقت=۱، به ندرت=۲، گاهی=۳، اغلب=۴، مدام=۵ و همیشه=۶ نمره‌گذاری شده است. در تحقیق لابستل و همکاران (۲۰۱۰)، پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۶ گزارش شده است و در تایید روایی همگرا پرسشنامه مقدار ضریب همبستگی پرسشنامه با هرست خلق‌وخو و شخصیت بالاتر از ۰/۶۰ بدست آمد (لابستل و همکاران، ۲۰۱۰). در ایران نیک‌فلاح و همکاران (۱۴۰۰) روایی محتوایی گویه‌ها را بالای ۰/۶۰ و مقدار آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها را بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۴ گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۲ بدست آمد.

مقیاس خودمتمایزسازی (DSI-SH): فرم کوتاه این مقیاس توسط دریک (۲۰۱۱) بر اساس نسخه اصلاح شده اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) تنظیم شده، مشتمل بر بیست سوال و شامل چهار خرده مقیاس و شخصیت است. این چهار خرده مقیاس عبارتند از: پاسخ عاطفی، دیدگاه من، جدایی عاطفی و آمیختگی با دیگران. شرکت کنندگان با ۶ گزینه در مقیاس لیکرت به این سوال پاسخ دادند که از کاملاً اشتباه (یک امتیاز) تا کاملاً صحیح (شش امتیاز) متغیر خواهد بود. نمرات در مقیاس‌های محدودیت عاطفی، اجتناب عاطفی و دل‌بستگی به دیگران نشان دهنده سطوح پایین واکنش هیجانی، اجتناب عاطفی و دل‌بستگی است. دریک (۲۰۱۱) پایایی این مقیاس را با مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۸ یافت و روایی محتوایی این آزمون را ۰/۸۳ گزارش کرد. در ایران فخاری و همکاران (۱۳۹۲) ضریب پایایی از طریق روش آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۴ گزارش داده‌اند و مقدار مقیاس نیز با نشان دادن رابطه آن با سلامت عمومی تأیید شد، همچنین روایی آزمون از طریق تحلیل عاملی ۵۷/۶۷ و روایی محتوایی این آزمون ۰/۸۵ گزارش کرد. میزان پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر از طریق ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۰ برآورد شد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سن به ترتیب ۳۴/۱۹۱ و ۱۳/۸۱۴ بود. فراوانی و درصد فراوانی برای تحصیلات دیپلم ۴۵ و ۱۴/۹ بود. فراوانی و درصد فراوانی برای تحصیلات لیسانس ۱۶۳ و ۵۳/۸ است. فراوانی و درصد فراوانی برای تحصیلات دکتری ۴۰ و ۱۳/۲ است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱	۱												
۲	-۰/۲۵**	۱											
۳	۰/۸۸**	-۰/۴۵**	۱										
۴	۰/۶۸*	-۰/۳۶**	۰/۴۳**	۱									
۵	۰/۴۸**	-۰/۴۰**	۰/۲۵**	۰/۴۴*	۱								
۶	۰/۲۸**	-۰/۳۰**	۰/۲۴**	۰/۳۳*	۰/۲۸**	۱							
۷	۰/۲۷**	-۰/۳۹**	۰/۳۰**	۰/۲۵*	۰/۲۶**	۰/۰۹	۱						
۸	-۰/۲۰**	۰/۳۴**	-۰/۲۳	-۰/۲۰	-۰/۲۱	۰/۰۴	-۰/۲۱*	۱					
۹	-۰/۵۶**	۰/۴۴**	-۰/۴۹*	-۰/۵۱	-۰/۵۰*	-۰/۲۲**	-۰/۳۹*	۰/۳۳**	۱				
۱۰	-۰/۳۶**	۰/۳۴**	-۰/۳۳*	-۰/۳۳	-۰/۳۸*	-۰/۰۰	-۰/۲۹*	۰/۳۴**	۰/۶۵**	۱			
۱۱	-۰/۴۳**	۰/۳۱**	-۰/۳۳*	-۰/۳۹	-۰/۳۸*	-۰/۲۴**	-۰/۲۹*	۰/۳۳**	۰/۸۳**	۰/۳۲**	۱		
۱۲	-۰/۳۹**	۰/۳۳**	-۰/۳۴*	-۰/۳۸	-۰/۳۸*	-۰/۱۹*	-۰/۳۰*	۰/۲۲**	۰/۶۱*	۰/۲۲**	۰/۴۱**	۱	
۱۳	-۰/۴۶**	۰/۳۲**	-۰/۴۱*	-۰/۴۱	-۰/۳۴*	-۰/۲۳**	-۰/۲۷**	۰/۱۸**	۰/۸۳**	۰/۳۳**	۰/۶۸**	۰/۳۴*	۱
میانگین	۳۲۶/۶۳	۴۳/۴۰	۱۴۷/۱۷	۱۱۶/۶۲	۷۱/۰۷	۲۸/۳۲	۳۴/۲۹	۱۴/۳۷	۶۶/۸۹	۱۸/۵۱	۱۷/۹۳	۸/۲۷	۲۲/۱۶
انحراف	۴۷/۲۸	۲۰/۰۳	۴۸/۱۵	۱۹/۱۱	۱۵/۶۱	۵/۳۵	۵/۱۶	۶/۱۲	۱۳/۰۹	۴/۶۱	۴/۵۰	۳/۳۶	۵/۱۱
کشیدگی	-۰/۵۶۸	۰/۱۴۰	-۰/۵۷۲	-۰/۴۴۵	-۰/۵۱۹	-۰/۲۵۵	-۱/۵۷۰	۰/۵۹۶	-۰/۰۱۳	۰/۲۵۲	-۰/۳۱۰	۰/۳۵۲	-۰/۲۸۲

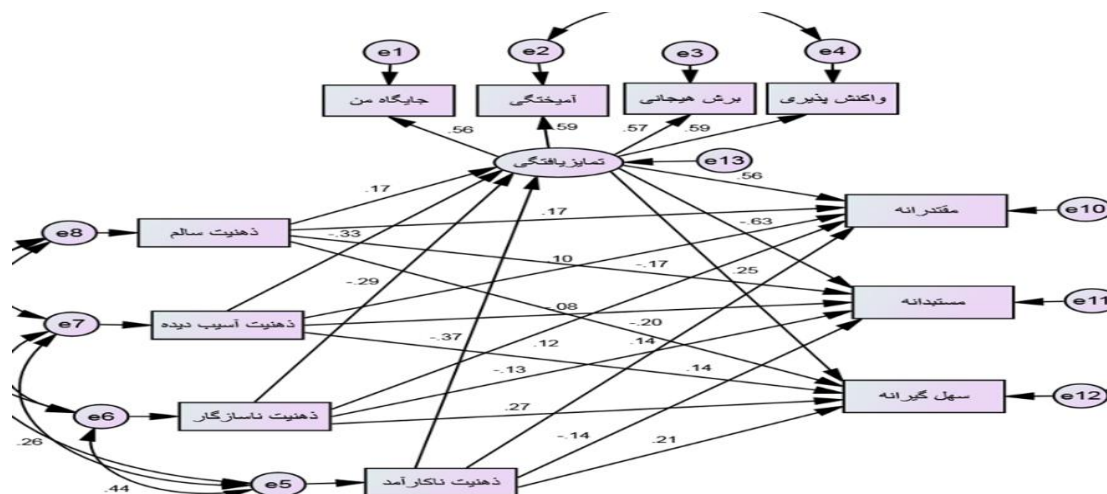
1. Self-differentiation questionnaire (DSI-SH)

چولگی	۰/۲۷۳	-۰/۰۱۹	-۱/۱۸۱	-۰/۰۶۱۱	-۰/۸۰۶	-۰/۲۲۰	۰/۷۵۱	۰/۵۲۱	-۰/۰۴۹	-۰/۳۷۲	-۰/۰۰۱	-۰/۵۶۶	-۰/۱۲۴
-------	-------	--------	--------	---------	--------	--------	-------	-------	--------	--------	--------	--------	--------

در جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش شامل، ذهنیت‌های طرحواره ۱، ذهنیت‌های سالم ۲، کودک آسیب‌دیده ۳، مقابله‌ای ناسازگار ۴، والدناکارآمد ۵، سبک سهل‌گیرانه ۶، سبک مستبدانه ۷، سبک مقتدرانه ۸، خودمتمایزسازی ۹، جایگاه من ۱۰، آمیختگی با دیگران ۱۱، برش هیجانی ۱۲، واکنش‌پذیری ۱۳، ارائه شده است.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان می‌دهد که بین سبک سهل‌گیرانه با ذهنیت‌های سالم ($r = -0.30$) و $P = 0.05$ رابطه‌ی منفی و با ذهنیت آسیب‌دیده ($r = 0.24$ و $P = 0.05$) رابطه مثبت وجود دارد. بین سبک مستبدانه با با ذهنیت‌های سالم ($r = -0.39$ و $P = 0.05$) رابطه‌ی منفی و با ذهنیت آسیب‌دیده ($r = 0.30$ و $P = 0.05$) رابطه مثبت وجود دارد. بین سبک مقتدرانه با با ذهنیت‌های سالم ($r = -0.34$ و $P = 0.05$) رابطه‌ی مثبت و با ذهنیت آسیب‌دیده ($r = -0.23$ و $P = 0.05$) رابطه منفی وجود دارد.

به منظور پیش‌بینی سبک‌های والدگری براساس ذهنیت طرحواره‌ای و میانجی‌گری خودمتمایزسازی در مادران، از معادلات ساختاری استفاده شد. بنابراین ابتدا پیش فرض‌هایی که برای آزمون فوق نیاز بود بررسی گردید. به منظور ارزیابی نرمال و دن توزیع داده‌های تک متغیری، کشیدگی و چولگی و چولگی تک تک متغیرها و به منظور ارزیابی مفروضه هم خطی بودن عامل تورم واریانس و ضریب تحمل از متغیرهای پیش بین مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۱ نشان می‌دهد که در مقادیر کشیدگی و چولگی همه مولفه‌ها و متغیرها در محدوده ± 2 قرار دارد. در برای بررسی استقلال باقی مانده‌ها از آماره دوربین-واتسون استفاده شد. با توجه به اینکه مقدار آن ($1/187$) در فاصله $1/5$ تا $2/5$ قرار دارد می‌توان گفت پیش فرض استقلال باقی مانده‌ها رعایت شد. برای بررسی وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین از شاخص‌های تحمل و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد، که با توجه به نتایج بدست آمده انحرافی از مفروضه همخطی چندگانه مشاهده نشد.



شکل ۱. مدل نهایی نقش میانجی خودمتمایز سازی در رابطه بین ذهنیت طرحواره‌ای با سبک‌های والدگری با ضرایب استاندارد شده

مطابق شکل ۱، مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم ذهنیت‌های سالم به سبک والدگری مقتدرانه از طریق خودمتمایزسازی معنادار شده است ($P < 0.05$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که خودمتمایزسازی در رابطه بین ذهنیت‌های سالم به سبک والدگری مقتدرانه نقش میانجی دارد. نتایج در جدول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب مستقیم استاندارد و غیر استاندارد

متغیر	مسیر	متغیر	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	آماره t	خطای معیاری	معنی‌داری
ذهنیت‌های سالم	<---	خودمتمایزسازی	۰/۱۶۹	۰/۰۲۲	۲/۵۷۴	۰/۰۰۸	۰/۰۱۰

۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	-۴/۸۰۲	-۰/۰۱۸	-۰/۳۳۲	خودتمایزسازی	<---	کودک آسیب دیده
۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	-۴/۱۹۴	-۰/۰۳۹	-۰/۲۸۹	خودتمایزسازی	<---	مقابله‌ای ناسازگار
۰/۰۰۱	۰/۰۱۱	-۵/۳۲۸	-۰/۰۶۱	-۰/۳۷۱	خودتمایزسازی	<---	والد ناکارآمد
۰/۰۰۱	۰/۱۳۳	۷/۷۹۱	۱/۰۴۰	۰/۵۹۴	آمیختگی با دیگران	<---	خودتمایزسازی
۰/۰۰۱	۰/۰۹۸	۷/۵۵۲	۰/۷۴۰	۰/۵۶۶	برش هیجانی	<---	خودتمایزسازی
۰/۰۰۶	۰/۴۸۷	۲/۷۶۱	۱/۳۴۴	۰/۵۶۵	مقتدرانه	<---	خودتمایزسازی
-	-	-	۱/۰۰۰	۰/۵۵۸	جایگاه من	<---	خودتمایزسازی
۰/۰۲۹	۰/۰۲۳	۲/۱۸۶	۰/۰۵۱	۰/۱۶۶	مقتدرانه	<---	ذهنیت‌های سالم
۰/۰۲۴	۰/۰۱۹	-۲/۲۶۱	۰/۰۴۴	-۰/۱۷۱	مستبدانه	<---	ذهنیت‌های سالم
۰/۰۰۵	۰/۰۱۹	-۲/۸۳۸	۰/۰۵۴	-۰/۲۰۰	سهل‌گیرانه	<---	ذهنیت‌های سالم
۰/۲۶۹	۰/۰۱۲	۱/۱۰۵	۰/۰۱۳	۰/۱۰۵	مقتدرانه	<---	کودک آسیب دیده
۰/۴۲۲	۰/۰۱۰	-۰/۸۰۳	-۰/۰۰۸	-۰/۰۷۷	مستبدانه	<---	کودک آسیب دیده
۰/۱۰۹	۰/۰۱۰	۱/۶۰۵	۰/۰۱۵	۰/۱۳۸	سهل‌گیرانه	<---	کودک آسیب دیده
۰/۱۷۸	۰/۰۲۹	۱/۳۴۶	۰/۰۳۹	۰/۱۲۱	مقتدرانه	<---	مقابله‌ای ناسازگار
۰/۱۶۳	۰/۰۲۴	-۱/۳۹۵	۰/۰۳۴	-۰/۱۲۶	مستبدانه	<---	مقابله‌ای ناسازگار
۰/۰۰۱	۰/۰۲۳	۳/۳۰۱	۰/۰۷۶	۰/۲۷۱	سهل‌گیرانه	<---	مقابله‌ای ناسازگار
۰/۰۱۸	۰/۰۳۱	۲/۳۵۷	۰/۰۷۳	۰/۲۱۳	سهل‌گیرانه	<---	والد ناکارآمد
۰/۰۰۱	۰/۱۵۱	۷/۷۱۴	۱/۱۶۲	۰/۵۸۶	واکنش‌پذیری	<---	خودتمایزسازی
۰/۱۵۹	۰/۰۳۹	۱/۴۰۹	۰/۰۵۵	۰/۱۴۰	مقتدرانه	<---	والد ناکارآمد
۰/۱۶۰	۰/۰۳۳	-۱/۴۰۵	-۰/۰۴۷	-۰/۱۴۲	مستبدانه	<---	والد ناکارآمد
۰/۱۵۳	۰/۳۶۹	۱/۴۳۱	۰/۵۲۸	۰/۲۵۴	سهل‌گیرانه	<---	خودتمایزسازی
۰/۰۰۳	۰/۴۲۵	-۲/۹۷۰	-۱/۲۶۲	-۰/۶۳۰	مستبدانه	<---	خودتمایزسازی

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ضرایب استاندارد مسیر مستقیم مدل نهایی از ذهنیت‌های سالم به خودتمایزسازی ($P < 0.05$, $t = 2.574$) معنی‌دار شده است و کودک آسیب دیده به خودتمایزسازی ($P < 0.05$, $t = -4.802$)، معنی‌دار شده است و مقابله‌ای ناسازگار به خودتمایزسازی ($P < 0.05$, $t = -4.194$) معنی‌دار شده است. والد ناکارآمد به خودتمایزسازی ($P < 0.05$, $t = -5.328$) معنی‌دار شده است. خودتمایزسازی به مقتدرانه ($P < 0.05$, $t = 2.761$) معنی‌دار شده است. ذهنیت‌های سالم به مقتدرانه ($P < 0.05$, $t = 2.186$) معنی‌دار شده است. همچنین ضرایب بقیه مسیرها و سطح معناداری آنها نیز در جدول شماره ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. ضرایب مسیرهای غیر مستقیم مدل ذهنیت طرحواره به سبک‌های والدگری از طریق نقش میانجی خودتمایزسازی

مسیر غیر مستقیم	ضریب مسیر استاندارد	ضریب مسیر غیرمستقیم	خطای معیار	حد پایین فاصله اطمینان	حد بالای فاصله اطمینان	سطح معنی‌دار
ذهنیت‌های سالم < خودتمایزسازی < سهل‌گیرانه	۰/۰۴۳	۰/۰۱۲	۰/۰۴۵	-۰/۰۲۲	۰/۱۸۶	۰/۱۵۱
ذهنیت‌های سالم < خودتمایزسازی < مقتدرانه	-۰/۰۹۶	۰/۰۲۹	۰/۰۵۵	۰/۰۲۳	۰/۲۵۱	۰/۰۰۷
ذهنیت‌های سالم < خودتمایزسازی < مستبدانه	-۰/۱۰۷	-۰/۰۲۷	۰/۰۸۲	-۰/۳۲۴	-۰/۰۳۰	۰/۰۰۴
کودک آسیب دیده < خودتمایزسازی < سهل‌گیرانه	-۰/۰۸۴	-۰/۰۰۹	۰/۰۹۰	-۰/۳۱۴	۰/۰۵۹	۰/۲۲۳

کودک آسیب دیده < خودمتمایز سازی > مقتدرانه	-۰/۱۸۸	-۰/۰۲۴	۰/۰۹۱	-۰/۴۰۵	-۰/۰۵۷	۰/۰۰۷
کودک آسیب دیده < خودمتمایز سازی > مستبدانه	۰/۲۰۹	۰/۰۲۲	۰/۱۳۵	۰/۰۸۲	۰/۶۳۰	۰/۰۰۲
مقابله ای ناسازگار < خودمتمایز سازی > سهل گیرانه	-۰/۰۷۳	-۰/۰۲۱	۰/۰۷۳	-۰/۲۳۹	۰/۰۵۳	۰/۲۲۲
مقابله ای ناسازگار < خودمتمایز سازی > مقتدرانه	-۰/۱۶۳	-۰/۰۵۲	۰/۰۷۵	-۰/۳۵۳	-۰/۰۵۵	۰/۰۰۶
مقابله ای ناسازگار < خودمتمایز سازی > مستبدانه	۰/۱۸۲	۰/۰۴۹	۰/۱۱۷	۰/۰۶۳	۰/۴۹۶	۰/۰۰۲
والد ناکارآمد < خودمتمایز سازی > سهل گیرانه	-۰/۰۹۴	-۰/۰۳۲	۰/۰۹۷	-۰/۳۳۰	۰/۰۷۰	۰/۲۱۹
والد ناکارآمد < خودمتمایز سازی > مقتدرانه	-۰/۲۱۰	-۰/۰۸۲	۰/۱۰۰	-۰/۴۴۵	-۰/۰۶۵	۰/۰۰۶
والد ناکارآمد < خودمتمایز سازی > مستبدانه	۰/۲۳۴	۰/۰۷۷	۰/۱۴۹	۰/۰۹۲	۰/۶۲۸	۰/۰۰۲

مطابق نتایج جدول ۳، سطح معناداری برای مسیر غیر مستقیم ذهنیت های سالم به سبک والدگری مقتدرانه و سبک والدگری مستبدانه از طریق خودمتمایز سازی معنادار شده است ($P < ۰/۰۵$). سطح معناداری برای مسیر غیر مستقیم کودک آسیب دیده به سبک والدگری مقتدرانه و سبک والدگری مستبدانه از طریق خودمتمایز سازی معنادار شده است ($P < ۰/۰۵$). سطح معناداری برای مسیر غیر مستقیم مقابله ای ناسازگار به سبک والدگری مقتدرانه و سبک والدگری مستبدانه از طریق خودمتمایز سازی معنادار شده است ($P < ۰/۰۵$). سطح معناداری برای مسیر غیر مستقیم والد ناکارآمد به سبک والدگری مقتدرانه و سبک والدگری مستبدانه از طریق خودمتمایز سازی معنادار شده است ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۴. شاخص های برازندگی مدل پیشنهادی

نام شاخص برازش	مقدار به دست آمده	مقدار مجاز
درجه آزادی (df)	۵۵	-
کای اسکور (CMIN)	۹۶/۰۸	-
نسبت کای اسکور به درجه آزادی (CMIN/DF)	۱/۷۴۷	کمتر از ۳
ریشه میانگین مربع تقریبی خطا (RMSEA)	۰/۰۵۰	کمتر از ۰/۰۸
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۸۰	بالاتر از ۰/۹
شاخص برازش توکر-لویس (TLI)	۰/۹۵۴	بالاتر از ۰/۹
شاخص برازش افزایشی (IFI)	۰/۹۸۱	بالاتر از ۰/۹
مقادیر شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۵۶	بالاتر از ۰/۹
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۹۷۸	بالاتر از ۰/۹
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۷۶	بالاتر از ۰/۹

نتایج آماره نسبت کای اسکور به درجه آزادی نشان داد که مقدار این آماره برابر با ۱/۷۴۷ است که بیانگر برازش مدل با داده ها است. مقادیر شاخص برازش هنجار شده (NFI)، و شاخص برازش تطبیقی (CFI)، در پژوهش حاضر به ترتیب برابر با ۰/۹۵۶ و ۰/۹۸۰ است. براساس ملاک ۰/۹ و بالاتر، این مقادیر مدل را تعیین می کنند و مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، برای پژوهش حاضر ۰/۰۵۰ به دست آمد که بیانگر برازش خوب مدل با داده ها می باشد. بررسی شاخص های برازش مدل حاکی از آن است که مدل مورد نظر برازش مطلوبی با داده ها دارد. اگر مجذور خی از لحاظ آماری معنادار نباشد، دال بر برازش بسیار مناسب است. اگر شاخص های (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، بزرگتر از ۰/۹ و شاخص (RMSEA) کوچکتر از ۰/۰۸ باشد، بر برازش بسیار مطلوب و بسیار خوب دلالت دارد و اگر شاخص های CFI, GFI, NFI بزرگتر از ۰/۹ و شاخص های RMSEA کوچکتر از ۰/۰۸ باشد بر برازش مطلوب و خوب دلالت دارد (بنتلر، ۱۹۹۰؛ فیدل و تاباچنیک، ۲۰۰۶)، در نتیجه شاخص های TLI, GFI, RMSEA و NFI بر برازش مطلوب و مناسب دلالت دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی پیش‌بینی سبک‌های والدگری براساس ذهنیت طرحواره‌ای با میانجی‌گری خودمتمایزسازی در مادران بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که خودمتمایزسازی در رابطه بین ذهنیت‌های سالم به سبک والدگری مقتدرانه، ذهنیت‌های سالم به سبک والدگری مستبدانه، کودک آسیب دیده به سبک والدگری مقتدرانه، کودک آسیب دیده به سبک والدگری مستبدانه، مقابله‌ای ناسازگار به سبک والدگری مقتدرانه، مقابله‌ای ناسازگار به سبک والدگری مستبدانه، والد ناکارآمد به سبک والدگری مقتدرانه و والد ناکارآمد به سبک والدگری مستبدانه نقش میانجی دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش دهقانی و همکاران (۱۳۹۹)، رمرسوال و همکاران (۲۰۲۳)، سوجیا و همکاران (۲۰۲۳)، موزانس-الونسا (۲۰۲۲)، همسو بود. پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین ذهنیت طرحواره‌ای و سبک‌های والدگری در مادران پرداخته و نقش خودمتمایزسازی را به‌عنوان یک عامل میانجی مورد تحلیل قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که خودمتمایزسازی می‌تواند تأثیرات ذهنیت‌های سالم و آسیب‌دیده را بر سبک‌های والدگری تبیین کند. به‌ویژه، مادرانی که دارای ذهنیت‌های سالم هستند، تمایل بیشتری به اتخاذ سبک والدگری مقتدرانه دارند. در مقابل، مادرانی که ذهنیت‌های آسیب‌دیده یا مقابله‌ای ناسازگار دارند، بیشتر به سمت سبک والدگری مستبدانه گرایش پیدا می‌کنند. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت خودمتمایزسازی به‌عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌گیری و پیش‌بینی سبک‌های والدگری در مادران است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت ذهنیت طرحواره‌ای به الگوهای فکری و احساسی اشاره دارد که افراد در طول زندگی خود شکل می‌دهند و بر رفتارهای آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این الگوها می‌توانند در نحوه تربیت فرزندان تأثیرگذار باشند و سبک‌های مختلف والدگری را تحت تأثیر قرار دهند. در این راستا، خودمتمایزسازی به معنای توانایی فرد در شناخت خود و جدایی از دیگران است که می‌تواند به والدین کمک کند تا با آگاهی بیشتری به تربیت فرزندان خود بپردازند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۹). مادرانی که دارای ذهنیت طرحواره‌ای مثبت‌تری هستند، ممکن است با خودمتمایزسازی بیشتر، توانایی بهتری در انتخاب سبک‌های والدگری مناسب داشته باشند. این موضوع می‌تواند به درک بهتر از چگونگی شکل‌گیری رفتارهای والدینی کمک کند و راهکارهایی برای بهبود آن‌ها ارائه دهد. در این بین مادرانی که خود را بهتر می‌شناسند و قادر به تفکیک نیازهای خود از نیازهای فرزندان هستند، احتمالاً سبک‌های والدگری مؤثرتری را انتخاب خواهند کرد. این امر می‌تواند منجر به ارتقاء کیفیت روابط مادر و فرزند و همچنین بهبود سلامت روانی هر دو طرف شود. بنابراین، بررسی این ارتباطات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (رمرسوال و همکاران، ۲۰۲۳).

از سوی دیگر می‌توان اینگونه بیان کرد که ذهنیت‌های طرحواره‌ای به عنوان راهنمای فرایندهای شناختی در موقعیت‌هایی مانند تفسیر وقایع و بازبازی اطلاعات از حافظه عمل می‌کنند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۹) و می‌توان آن را به عنوان جنبه‌ای از خود یا یک واحد روانی در ساختار شخصیت در نظر گرفت. ذهنیت بزرگسال سالم، سالم است و بخشی از خویشن دوران بزرگسالی محسوب می‌شود که در مقایسه با سایر ذهنیت‌ها، نقش عملکرد اجرایی را به عهده دارد. این ذهنیت در برگزیده وظایف بزرگسالان مانند بدست آوردن اطلاعات، ارزیابی حل مساله، کار و فرزندپروری است (سوجیا و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین طبیعی است چنین ذهنیت طرحواره‌ای به فرد کمک می‌کند که به خودمتمایزسازی برسد. در حالیکه، ذهنیت کودک آسیب‌پذیر، ذهنیتی است که معمولاً اکثر طرحواره‌های منفی مرکزی را تجربه می‌کند. این ذهنیت تجارب تلخ و ناگوار کودک رها شده، کودک مورد بدرفتاری قرار گرفته، کودک محروم یا کودک طرد شده را در بر می‌گیرد و احتمالاً فردی ترسیده، ناراحت، بیچاره یا درمانده به نظر می‌رسد. طرحواره‌های دیگری که ممکن است با این ذهنیت ارتباط داشته باشد عبارتند از انزوای اجتماعی، وابستگی/بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، گرفتار/خویشن نیافته و شکست. اغلب طرحواره‌ها جزء ذهنیت کودک آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند و این ذهنیت مهم‌ترین ذهنیت تلقی می‌شود که پیامدهای منفی بسیاری دارد. ذهنیت مقابله‌ای ناسازگار نیز تلاش کودک برای کنار آمدن با نیازهای هیجانی ارضا نشده در یک محیط آسیب‌زا است که در دوران بزرگسالی ناسازگارند. وقتی ذهنیت‌های والد ناکارآمد در بیماران فعال می‌شوند، در نقش والدین خود می‌روند و همان طوری با خودشان رفتار می‌کنند که والدینشان سال‌ها قبل با آنها رفتار می‌کرده‌اند. والد تنبیه‌گر کودک را به خاطر بیان نیازها یا اشتباهات با عصبانیت شدید تنبیه می‌کند و مورد انتقاد قرار می‌دهد یا او را سخت کنترل می‌کند. شایع‌ترین طرحواره‌های مرتبط با این ذهنیت عبارتند از تنبیه و نقص. ذهنیت والد پرتوقع، کودک را برای دستیابی به انتظارات غیر واقع بینانه والدین تحت فشار قرار می‌دهد. چنین افرادی احساس می‌کنند کمال‌گرایی، کاری‌پسندیده و خوب است و اشتباه کردن و خود برانگیختگی، بسیار مذموم و ناپسند است. اغلب طرحواره‌های ایثارگری و معیارهای سرسختانه به این ذهنیت ربط دارند (ووس و همکاران، ۲۰۲۴). در واقع، ذهنیت‌های طرحواره‌ای می‌توانند الگوهای فکری و هیجانی مادران را تحت تأثیر قرار دهند. به این صورت که مادرانی دارای ذهنیت‌های طرحواره‌ای ناکارآمد، احتمالاً در مواجهه با

چالش‌های فرزندپروری احساس ناتوانی کنند و از خودمتمایزسازی کمتری برخوردار باشند. در مقابل مادرانی که ذهنیت‌های طرحواره‌ای مثبت‌تری دارند، معمولاً بهتر می‌توانند با استرس‌های والدگری کنار بیایند و در نتیجه خودمتمایزسازی بیشتری را تجربه کنند. این مادران قادرند احساسات و نیازهای خود را شناسایی کرده و آن‌ها را به‌خوبی مدیریت کنند. از طرفی، از فردی با سطح خودمتمایزسازی بالا انتظار می‌رود که انعطاف‌پذیر، مهارت و امکانات بیشتری برای مدیریت استرس داشته باشد، در حالی که از فردی با سطح خودمتمایزسازی پایین انتظار می‌رود که به شیوه‌ای واکنشی هیجانی عمل کند یا برعکس، به روشی بیش از حد منطقی (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۹). یک فرد با خودمتمایزسازی بالا می‌تواند از نظر عاطفی به دیگران نزدیک باشد بدون اینکه دلالت بر آمیختگی عاطفی یا از دست دادن هویت داشته باشد. با این حال، فردی که تمایز ضعیفی ندارد، به شدت به دستورات خانواده‌اش واکنش نشان می‌دهد، به شیوه‌ای مطیع با آنها سازگار می‌شود یا برعکس، علیه آن‌ها شورش می‌کند (موزاس-الونسون و همکاران، ۲۰۲۲). بر اساس نظریه بوون (۱۹۷۸)، از والدینی که درجه بیشتری از خودمتمایزسازی دارند، انتظار می‌رود که از فرزندان خود حمایت کنند و از آنها به گونه‌ای مراقبت کنند که استقلال مناسب برای مرحله تکاملی آنها ایجاد کند و رشد ظرفیت‌های عاطفی و خود تنظیمی رفتاری آنها را افزایش دهد. خودمتمایزسازی به عنوان یک فرایند روان‌شناختی به فرد کمک می‌کند تا از نیازها و احساسات خود آگاه شود و بتواند در روابط خود با دیگران، به ویژه فرزندان، تصمیمات بهتری اتخاذ کند. به‌طور خاص، یافته‌ها نشان می‌دهد که مادرانی که قادر به تفکیک احساسات و نیازهای خود هستند، می‌توانند به شیوه‌ای مؤثرتر و مثبت‌تر با فرزندان خود ارتباط برقرار کنند. این مسأله اهمیت توجه به فرآیند خودمتمایزسازی را در برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای والدین نشان می‌دهد. همچنین، پژوهش حاضر بر لزوم توجه به ذهنیت‌های طرحواره‌ای به‌عنوان عواملی تأثیرگذار بر رفتارهای والدگری تأکید دارد. در نهایت، این نتایج می‌تواند به متخصصان روانشناسی و مشاوره خانواده کمک کند تا رویکردهای مؤثرتری را برای بهبود سبک‌های والدگری در خانواده‌ها طراحی کنند.

این مطالعه به روش توصیفی-همبستگی انجام شد که بر این اساس دستیابی به علیت ممکن نیست. هم‌چنین در این مطالعه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد که امکان تعمیم‌دهی به سایر گروه‌ها را محدود می‌سازد، بر این اساس پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، جهت دستیابی به علیت از سایر طرح‌های پژوهشی و از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده گردد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر اجرای پژوهش به‌صورت مقطعی در مورد گروهی از مادران منطقه ۱ شهر تهران بود و در تعمیم‌دهی آن به سایر نمونه‌ها، باید جوانب احتیاط رعایت شود. محدودیت دیگر پژوهش حاضر استفاده صرف از ابزار خودگزارش‌دهی پرسشنامه و عدم امکان به کارگیری از سایر ابزار از جمله مصاحبه و مشاهده است که این امر می‌تواند احتمال ارائه پاسخ‌های غیرواقعی که ناشی از تمایل افراد به موجه جلوه دادن خویش باشد را افزایش دهد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از سایر ابزارهای سنجش مثل مصاحبه، مشاهده و مانند آن استفاده گردد. علاوه‌براین، شناخت و تغییر ذهنیت‌های طرحواره‌ای ناکارآمد می‌تواند گامی حیاتی در ارتقای روابط سالم‌تر و افزایش تمایز خود باشد. با پرورش ذهنیت انعطاف‌پذیرتر و انعکاسی، افراد می‌توانند به احساس متعادلی از خود دست یابند که در محیط‌های بین فردی رشد می‌کند.

منابع

- حسین‌پور، ک. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری مادران بر میزان بروز نشانه‌های اضطراب، استرس و افسردگی فرزندان آن‌ها. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- دهقانی، ف؛ حسن آبادی، م؛ و زارعی محمودآبادی، ح. (۱۳۹۹). پیش‌بینی تمایز یافتگی خود براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان دختر دانشگاه یزد. هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/1140704>
- فخاری، ن؛ لطیفیان، م؛ و اعتمادی، ج. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روانسنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۵ (۵)، ۳۵-۵۷. https://jem.atu.ac.ir/article_268.html
- نیک‌فلاح، ر؛ و گلشنی، ف. (۱۴۰۰). مقایسه روابط ابژه‌ای، ذهنیت‌های طرحواره‌ای و آسیب دوران کودکی در افراد دارای نشانگان اختلال‌های شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی-جبری. *مجله رویش روانشناسی*، ۱۰ (۲)، ۱۳۸-۱۲۵. URL: <http://frooyesh.ir/article-1-2661-fa.html>
- Bär, A., Bär, H. E., Rijkeboer, M. M., & Lobbetael, J. (2023). Early Maladaptive Schemas and Schema Modes in clinical disorders: A systematic review. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 96(3), 716-747. DOI: [10.1111/papt.12465](https://doi.org/10.1111/papt.12465)

- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4(1, Pt.2), 1–103. <https://doi.org/10.1037/h0030372>
- Bowen, M. (1978). Family therapy in clinical practice. New York: Aronson; P: 25-39.
- Drake, J. R. (2011). Differentiation of self inventory -short form: creation and initial evidence of construct validity. University of Missouri--Kansas City.
- Emami, M., Moghadasin, M., Mastour, H., & Tayebi, A. (2024). Early maladaptive schema, attachment style, and parenting style in a clinical population with personality disorder and normal individuals: a discriminant analysis model. *BMC psychology*, 12(1), 78. DOI: [10.1186/s40359-024-01564-5](https://doi.org/10.1186/s40359-024-01564-5)
- Fan, S., Sun, H., & Wang, W. (2025). The influence of bullying experience and parenting style on moral performance. In *Addressing Global Challenges-Exploring Socio-Cultural Dynamics and Sustainable Solutions in a Changing World* (pp. 527-533). Routledge. DOI: [10.1201/9781032676043-73](https://doi.org/10.1201/9781032676043-73)
- Gülüm, İ. V., & Soygüt, G. (2022). Dysfunctional Parenting and Psychological Symptomatology: An Examination of the Mediator Roles of Anger Representations in the Context of the Schema Therapy Model. *Psychological Reports*, 125(1), 110-128. <https://doi.org/10.1177/0033294120971762>
- Gur, A., Egozi, S., & Schweitzer, Y. (2024). Self-Differentiation, Psychological Flexibility, and Difficulties in Practice in Social Workers and Social Work Students. *Social Work*, 69(1), 43-51. DOI: [10.1002/ijop.13130](https://doi.org/10.1002/ijop.13130)
- Kline, R. B. (2015). Principles and practice of structural equation modeling. New York :Guilford publications.
- Lee, R. A., & Lim, W. S. (2024). The Impact of Family Functioning on Self-Differentiation in College Student. *Industry Promotion Research*, 9(4), 269-276. DOI : [10.21186/IPR.2024.9.4.269](https://doi.org/10.21186/IPR.2024.9.4.269)
- Lobbestael J, van Vreeswijk M, Spinhoven P, Schouten E, Arntz A. Reliability and validity of the short Schema Mode Inventory (SMI). *Behav Cogn Psychother*. 2010;38(4):437-58. doi: 10.1017/S1352465810000226
- Moradi, M., Akbari, T., & Dausti, M. (2015). Relation between early maladaptive schemas and self differentiation in referrals to welfare centers. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 185(13), 294-300. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.03.432>
- Remmerswaal, K. C. P., Cnossen, T. E. A., van Balkom, A. J. L. M & Batelaan, N.M. (2023). Schema therapy with cognitive behaviour day-treatment in patients with treatment-resistant anxiety disorders and obsessive-compulsive disorder: an uncontrolled pilot study. *Behavioural and Cognitive Psychotherapy*, 51(2), 12-23. [10.1017/S1352465822000625](https://doi.org/10.1017/S1352465822000625)
- Ren, Y., Wu, X., Zou, S., & Wang, X. (2024). The integral contributions of parental involvement and parenting style to adolescent adjustments: a regression mixture analysis. *Current Psychology*, 43(2), 1369-1380. DOI: [10.1007/s12144-023-04364-z](https://doi.org/10.1007/s12144-023-04364-z)
- Rodríguez-González, M., Lampis, J., Murdock, N.L., Schweer-Collins, M.L., & Lyons, E.R. (2020). Couple adjustment and differentiation of self in the United States, Italy, and Spain: A cross-cultural study. *Fam Process*, 59(4), 1552–1568. PMID:32073663 DOI: [10.1111/famp.12522](https://doi.org/10.1111/famp.12522)
- Salerno, A., Tosto, M., Raciti, I., & Merenda, A. (2024). Self-differentiation and parenting stress in adolescent mothers. An exploratory study. *Frontiers in Developmental Psychology*, 2, 1306427. <https://doi.org/10.3389/fdpys.2024.1306427>
- Shengyao, Y., Salarzadeh Jenatabadi, H., Mengshi, Y., Minqin, C., Xuefen, L., & Mustafa, Z. (2024). Academic resilience, self-efficacy, and motivation: The role of parenting style. *Scientific Reports*, 14(1), 5571. DOI: [10.1038/s41598-024-55530-7](https://doi.org/10.1038/s41598-024-55530-7)
- Sojta, K., & Strzelecki, D. (2023). Early maladaptive schemas and their impact on parenting: do dysfunctional schemas pass generationally?—A systematic review. *Journal of Clinical Medicine*, 12(4), 1263. DOI: [10.3390/jcm12041263](https://doi.org/10.3390/jcm12041263)
- Vos, M. K. D., Giesbers, G., & Hülsken, J. (2024). Relationships between early maladaptive schemas and emotional states in individuals with sexual convictions. *Sexual Abuse*, 36(2), 233-250. DOI: [10.1177/10790632231153635](https://doi.org/10.1177/10790632231153635)
- Yao, H., Hou, Y., Hausmann-Stabile, C., & Lai, A. H. Y. (2024). Intergenerational Ambivalence, Self-differentiation and Ethnic Identity: A Mixed-methods Study on Family Ethnic Socialization. *Journal of Child and Family Studies*, 1-11. <https://doi.org/10.1007/s10826-024-02819-w>